

## بضاعت فلسفی و پلورالیسم دینی

اخیراً در اخبار خواندم که حجه الاسلام علی اکبر رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در مراسم رونمایی از کتاب خود با نام «مباحثه با جان هیک» گفته است:

« روشنفکران به مسائلی می پردازند که به شدت با جایگاه معرفتی ما نسبت و خویشاوندی ندارد و مسئله پلورالیسم دینی از این دست مسائل است... تعارض علم و دین، سنت و مدرنیته، مسئله زبان، مسئله عقل و دین نیز جزو مسائل ما نیست و آنچه در دسترس انسان غربی است دین تحریف شده است و به دارویی می ماند که تاریخ مصرف آن گذشته شده است... مسئله سنت و مدرنیته به غرب مربوط می شود. ما چیزی به نام شکاف سنت و مدرنیته نداریم و این شکاف جزو ذات فرهنگ ما نیست و عرضی است و وارد فرهنگ ما شده و یک نوع مجازاندیشی ناخودآگاهانه بر روشنفکران ما حاکم شده است... دعوت از جان هیک در راستای مواجهه با مبادی تفکرات متعارض صورت گرفت... عبدالکریم سروش نماینده جان هیک در ایران است. زمانی که پدید آورنده پلورالیسم نقد شد او مدعی شد پلورالیسم را از جان هیک اخذ نکرد. این نقص بزرگی برای یک روشنفکر است که در زمینه فلسفه دین کار می کند و فیلسوف طراح پلورالیسم را نمی شناسد. در حالی که بعد از طرح پلورالیسم توسط جان هیک، این مسئله جزو مسائل نخست فلسفه دین شد.»

جان هیک به دعوت «مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران»، «مؤسسه گفتگوی ادیان» و «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» در زمستان سال ۸۳ شمسی برای ایراد چند سخنرانی و گفتگو با اساتید و دانشجویان فلسفه و علوم انسانی به ایران سفر کرد. در آن ایام من در انگلستان فلسفه می خواندم و توفیق داشتم حدوداً هر سه هفته یکبار تنها یا به همراه دوست عزیزم، سید امیر اکرمی با هیک در منزل او یا در دانشگاه بیرمینگام دیدار و گفتگو کنم. وقتی هیک از سفر ایران بازگشت، چند و چون سفر را از او جويا شدم. از سخنرانی خود و دیدار و بحث و گفتگو با اساتید و دانشجویان دکترای «مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران» ابراز رضایت می کرد؛ از جناب بهاءالدین خرمشاهی یاد می کرد که در اندیشه اقامه استدلال جدیدی له وجود خداوند بوده و درباره استدلال خود با هیک گفتگو کرده؛ همچنین به دانشجویانی اشاره کرد که درباره آراء فلسفی هیک از او سؤالات چندی پرسیده بودند. علاوه بر این، از دیدار خود از مؤسسه گفتگوی ادیان خرسند بود؛ اما از مراسم سخنرانی خود در «

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» ناخرسند بود و ابراز شگفتی می کرد. گویا پیش از سخنرانی هیک، صادقی رشاد، در مقام معرفی هیک، قریب به یک ساعت سخنرانی کرده و به نقد آراء هیک پرداخته بود، لابد در راستای مواجهه با مبادی تفکرات متعارض؛ پس از آن نوبت سخنرانی هیک شده، او هم مجال مبسوطی برای سخن گفتن پیدا نکرده و جلسه مطابق با انتظار او برگزار نشده بود.

روشن است که در فضای آکادمیک اینگونه رفتار نمی کنند، اگر قرار است کسی به عنوان مباحثه گر به نقد سخنرانی شخص دیگری پردازد؛ از پیش، این مهم به اطلاع سخنران و شرکت کنندگان می رسد؛ نه اینکه کسی در مقام معرفی سخنران، بدون اطلاع قبلی، به نقد او پرداخته و از حجم وقت سخنران مدعو بکاهد. هیک حق داشت از این رفتار نا بهنگام و خلاف عرف و ادب اظهار شگفتی کند. در عین حال، ممکن است کسانی از روی ناآگاهی، عدم پاسخگویی هیک در آن جلسه را به حساب پاسخ نداشتن او بگذارند.

بر خلاف سخن صادقی رشاد، عبدالکریم سروش نماینده جان هیک در ایران نیست؛ اساساً مگر عالم فکر و اندیشه نظیر واردات کالاهای خانگی است که نمایندگی داشته باشد؟! عالم اندیشه پیچیده تر و فراختر از آن است که کسی از کسی فرمان ببرد و در آن بتوان کسی یا گروهی را نماینده رسمی فکری بحساب آورد. سروش در مقام دفاع از کثرت گرایی دینی، در مقاله و کتاب «صراطهای مستقیم»، ده استدلال اقامه کرده، در این میان هم از آموزه های سنت عرفان اسلامی بهره برده، هم از کثرت غیر قابل تحویل به وحدت چگونگی فهم متون دینی و تحقق تجارب دینی سخن گفته؛ در این میان هم به مولوی ارجاع داده، هم به استیس و هیک و برلین. می توان با موضع او مخالفت کرد و ادله ایشان را نقد کرد، که «نحن ابناء الدلیل»؛ اما ملتزم نبودن به قواعد بازی عقلانی و سراغ امور غیر معرفتی رفتن، البته در ترازوی تحقیق وزنی ندارد. اگر جناب صادقی رشاد مقاله «صراطهای مستقیم» را تورق می کرد، نام هیک و نقل قولی از او را در مقاله به سهولت می یافت؛ قاعدتاً وقتی از هیک در این مقاله نقل قولی آمده، نگارنده مقاله، صاحب نقل قول را که به قول صادقی رشاد فیلسوف طراح پلورالیسم باشد، می شناسد!!

علاوه بر این، صادقی رشاد طرح مسائلی چون تعارض علم و دین، مسئله عقل و دین و پلورالیسم را جزء مسائل ما ندانسته، آنها را عارض شده بر فرهنگ ما می انگارد. با این حساب، کوششهای مرحوم بازرگان در آشتی دادن میان علم و دین و همچنین جد و جهدهای نظری و فلسفی مرحوم مطهری و مرحوم طباطبایی در دفاع عقلانی

از آموزه های دینی و نقد مارکسیسم ذیل کدام مقوله قرار می گیرد و چه محلی از اعراب خواهد داشت؟ اکنون قریب به بیست سال از وفات مرحوم بازرگان و سی سال از شهادت مرحوم مطهری می گذرد؛ طرح چنین سخنانی در این روزگار اسباب تأسف است و بیش از هر چیز نشانه جدی نگرفتن بازی عقلانی و درک صحیح از روابط میان عقل و علم و دین از سوی کسی است که با توجه به موقعیت خود باید سنجیده تر در این باب موضع بگیرد و سخن بگوید.

طنز روزگار است که جان هیک، فیلسوف طراح پلورالیسم؛ در تقریر مدعیات و استدلال های خویش در دفاع از کثرت گرایی دینی، به عرفان اسلامی تاسی می جوید و از مولوی و ابن عربی مدد می گیرد و به آثار ایشان استشهاد می کند و به درستی توضیح می دهد که این عرفا کثرت گرا بوده اند و به « پلورالیسم نجات » عمیقاً باور داشتند؛ آنوقت جناب صادقی رشاد ادعا می کند که پلورالیسم دینی مسئله ما نیست و نسبتی با فرهنگ ما ندارد. صادقی رشاد در سخنان خود به مسائلی نظیر شکاف سنت و مدرنیته، مجاز اندیشی ناخودآگاهانه حاکم بر روشنفکران و.... هم اشاره کرده، که به مصداق:

باقی این غزل را ای مطرب شریف      زینسان همی شمار که زینسانم آرزوست

از طرح آنها در می گذرم و بدانها نمی پردازم. غرض اصلی از نگارش این نوشتار نه نشان دادن خطاهای متعدد در سخنان و رفتار حجه الاسلام صادقی رشاد؛ بلکه به دست دادن تصویری از نگرش او به مباحث نظری و میزان دقت و بضاعت فلسفی کسی است که برمسند ریاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تکیه زده است.